

Systematic Analysis of Political Division of Space in Iran

Mahtab Jafari¹, Mahmoud Vasegh^{2*}, Zahra Pishgahifard³, Kiumars Yazdan Panah Derow⁴.

1- PhD Student in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

2- Assistant Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

3- Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

4- Associate Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 30 March 2021

Accepted: 1 August 2021

Extended Abstract

Introduction

Achieving social justice and development is one of the most important concerns of developing countries today. Whereas how the political organization of space affects the realization or non-realization of social justice; Therefore, the ruling political system in order to better manage its territory, to establish maximum coordination and efficiency based on various geographical, political, economic, social, cultural elements and in order to facilitate the sovereignty of the government to the lowest political levels in the country, uses the tools of political organization of space. In the meantime, it should be noted that the division of the country as one of the most important tools of political organization of space, for better management and greater use of regional talents. In other words, the realistic application of divisions of the country based on scientific principles and spatial needs is done with the two objectives of optimizing places and optimizing functions and activities, ultimately, it will fertilize internal-place capacities and achieve local, national and regional development.

Now, due to the existence of unbalanced natural conditions, lack of uniform distribution of vital resources, the existence of a centralized government system that has led to a lack of optimal distribution of population and facilities in Iran; It should be noted that wrong decisions related to the geographical space of the country can lead to the emergence of various challenging factors in the interests of the country. In the meantime, recognizing how the elements and factors affecting the political division of Iranian space with the aim of gaining a realistic and comprehensive view in this field, to address the challenges to achieve the goals of political division of space is essential. Therefore, during the present study, we intend to determine the impact of elements and factors such as the form of government, ecological minorities, geography of power and support, etc. on the division of space in Iran, and finally through systematic analysis with the presentation of the model to evaluate the role of factors and elements affecting the political division of Iranian space and its consequences.

Methodology

Therefore, the present study was conducted to identify and prioritize the factors affecting the political division of space in Iran in the form of systemic thinking in a descriptive-analytical manner, in terms of applied results and with an exploratory purpose. Therefore, at first, the factors affecting the political division of space in Iran were determined through library studies, and then to determine the importance of each component in the political division of space, a

* . Corresponding Author (Email: Mahmoodvasegh@ut.ac.ir)

Copyright © 2021 Journal of Geography. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution- noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

quantitatively and specifically researcher-made questionnaire was used, which is based on the Likert scale of one (very low) to five (very high) rated. The reliability of the questionnaire was determined through Cronbach's alpha. If the Cronbach's alpha coefficient is calculated for a scale greater than 0.7, the reliability of that scale is considered desirable. Cronbach's alpha coefficient in this study was calculated to be 0.71. Therefore, the reliability of the questionnaire has been evaluated as desirable and its validity has been confirmed by the judgment of experts as well as full coverage of theoretical foundations. Friedman inferential test has also been used to prioritize the impact of each component on the political division of space. A small sample of 30 experts related to the subject was considered and finally the result was modeled and reviewed based on systemic thinking through Vensim software.

Results and discussion

Based on this model, we finally found that the form of government with a rank of 10.3, informal factors with a rank of 9.8 (which include the influence of supra-regional powers, parliamentarians, imams, government institutions, Islamic councils) and the population with a rank of 9, are the most effective components in the political division of the Iranian space.

Conclusion

Also, in the Law of national divisions approved by 62, the basis of unification is mainly considered as a single criterion and based on population; It is obvious that considering such incomplete bases for Iran's geographical spaces, in which the topographic structure is heterogeneous and the pattern of population distribution and resources is unbalanced, will result in the emergence of various functional and physical challenges in the political division of Iranian space. Therefore amending and clarifying the law of division of the country with an unchangeable executive mechanism in such a way that no intervention by power agents is possible, while considering a multi-criteria model to achieve a more balanced pattern of space divisions, fertilization of internal-place capacities and finally achieving local, national and regional development is essential.

Keywords: system analysis, political division of space, Iran, vensim.

تحلیل سیستمی تقسیم سیاسی فضا در ایران*

مهتاب جعفری - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمود واثق^۱ - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

زهرا پیشگاهی فرد - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

کیومرث یزدان پناه درو - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۰

چکیده

تقسیمات کشوری به عنوان یکی از ابزارهای سازماندهی با دو هدف بهینه کردن مکان‌ها و بهینه کردن کارکردها و فعالیت‌ها صورت می‌پذیرد که نهایتاً سبب بارورسازی ظرفیت‌های درون‌مکانی و دستیابی به توسعه محلی، ملی و منطقه‌ای خواهد شد. حال از آنجا که تصمیمات نادرست مرتبط با فضای جغرافیایی کشور می‌تواند با توجه به وجود شرایط طبیعی نامتوازن، عدم توزیع یکنواخت منابع حیاتی و وجود یک سیستم حکومتی متمرکز که منجر به عدم توزیع بهینه جمعیت و امکانات در کشور ایران شده است؛ می‌تواند موجب بروز و ظهور عوامل چالش‌زای گوناگون، ناهمگونی‌هایی همچون توسعه نامتوازن استان‌ها و بطور کلی ایجاد آثار منفی بر منافع کشور شود. در این میان شناخت چگونگی اثرگذاری عناصر و عوامل مؤثر بر تقسیم سیاسی فضای ایران با هدف کسب دید واقع بینانه و همه جانبه در این زمینه، جهت رفع و حل چالش‌های موجود و کاهش و کنترل آثار منفی عوامل و عناصر نامبرده جهت تحقق اهداف تقسیم سیاسی فضا ضروری می‌باشد. بنابراین، پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای-میدانی و بکارگیری آزمون استنباطی فریدمن جهت شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تقسیم سیاسی فضای ایران در قالب تفکر سیستمی انجام شد. سپس از طریق تحلیل سیستمی همراه با ارائه مدل در بستر نرم‌افزار vensim به ارزیابی میزان و چگونگی نقش‌آفرینی عناصر مؤثر در تقسیم سیاسی فضای ایران پرداخته شد. در نهایت دریافتیم از میان عوامل مؤثر شناسایی شده، سه عامل شکل حکومت، عوامل غیررسمی و جمعیت غالباً بیشترین تأثیر منفی را بر تقسیم سیاسی فضای ایران دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل سیستمی، تقسیم سیاسی، فضا، ایران.

* مقاله برگرفته از رساله دکتری خانم مهتاب جعفری در رشته جغرافیای سیاسی به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم و چهارم در دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران می‌باشد.

Email: Mahmoodvasegh@ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول

مقدمه

امروزه دستیابی به عدالت اجتماعی و توسعه از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه می‌باشد. از آنجا که میان سازماندهی سیاسی فضا و عدالت اجتماعی رابطه علت و معلول وجود دارد و بدیهی است که چگونگی سازماندهی سیاسی فضا بر تحقق یا عدم تحقق عدالت اجتماعی تأثیرگذار است؛ لذا نظام سیاسی حاکم به منظور اداره بهتر قلمرو خود، برقراری بیشترین هماهنگی، کارایی، افزایش همکاری متقابل درون و بین مناطق همجوار بر اساس عناصر و عوامل مختلف جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تحقق تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطوح سیاسی در کشور، توسعه کارکردهای واحدهای سرزمینی و نهایتاً توسعه یافتگی متوازن سیاسی-اقتصادی در تمام قلمرو کشور اقدام به استفاده از ابزار سازماندهی سیاسی فضا می‌کند. بعبارت دیگر نظام سیاسی حاکم مجموعه‌ای از ابزارها از جمله تقسیمات کشوری را در جهت کنترل و مدیریت بهتر فضا مورد استفاده قرار می‌دهد.

در این میان لازم به ذکر است که تقسیمات کشوری بعنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای سازماندهی فضا، برای اداره بهتر و بهره‌برداری بیشتر از استعدادهای مناطق است، که دارای اهداف کلیدی همچون تداوم بقای امنیت ملی، تسهیل منطقه‌ای متوازن، تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند، اعمال حاکمیت مؤثر، همچنین، انجام و اجرای هرچه بهتر و کارآمدتر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی، فضایی، زیست‌محیطی و... می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت: اعمال واقع‌بینانه تقسیمات کشوری بر اساس اصول علمی و نیازهای فضایی که گاه بر مبنای عناصر و عواملی چون اوضاع جغرافیایی، تاریخ و فرهنگ، جمعیت و گاه ملاحظات سیاسی می‌باشد، با دو هدف بهینه کردن مکان‌ها و بهینه کردن کاردها و فعالیت‌ها صورت می‌پذیرد که نهایتاً سبب بارورسازی ظرفیت‌های درون مکانی و دستیابی به توسعه محلی، ملی و منطقه‌ای خواهد شد.

حال با توجه به وجود شرایط طبیعی نامتوازن، عدم توزیع یکنواخت منابع حیاتی، وجود یک سیستم حکومتی متمرکز که منجر به عدم توزیع بهینه جمعیت و امکانات در کشور ایران شده است؛ لازم به ذکر است که تصمیمات نادرست مرتبط با فضای جغرافیایی کشور می‌تواند موجب ظهور و بروز عوامل چالش‌زای گوناگون، ناهمگونی‌هایی همچون توسعه نامتوازن استان‌ها و بطور کلی ایجاد تأثیرات منفی بر منافع کشور شود. در این میان شناخت چگونگی اثرگذاری عناصر و عوامل مؤثر بر تقسیم سیاسی فضای ایران با هدف کسب دید واقع‌بینانه و همه‌جانبه در این زمینه، جهت رفع و حل چالش‌های موجود و کاهش و کنترل آثار منفی عوامل و عناصر نامبرده جهت تحقق اهداف تقسیم سیاسی فضا ضروری می‌باشد. در این میان لازم است به تعدادی مطالعات انجام شده در زمینه سازماندهی سیاسی فضا که در ایران و خارج از ایران انجام شده است در قالب (جدول ۱)، نگاهی بیندازیم؛

جدول شماره ۱. مطالعات انجام شده پیرامون سازماندهی سیاسی فضا در ایران

محققین	مقاله	یافته‌ها
متقی و همکاران (۱۳۹۸)	عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری (نمونه موردی: شهرهای استان چهارمحال و بختیاری)	نویسندگان در این پژوهش به این نتیجه دست یافتند که در استان نامبرده عواملی نظیر عدم توسعه‌یافتگی منطقه، موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی استان، دور افتادگی و... در تقسیمات کشوری نقش مؤثر داشته‌اند.
شکور و همکاران (۱۳۹۳)	ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان فارس)	نگارندگان در این پژوهش به مسائلی مانند وسعت زیاد استان فارس، تعداد زیاد شهرستان، نامناسب بودن وضعیت راه‌های ارتباطی و ... اشاره نمودند که این مسائل زمینه تقسیم استان فارس را ضروری نموده است.
غلامی و همکاران (۱۳۹۳)	سازماندهی سیاسی فضا و چالش‌های ناحیه‌ای در ایران (مطالعه موردی: استان‌های ایلام و آذربایجان غربی)	نگارندگان در این پژوهش به این نتایج دست یافتند که شکل طولی این استان‌ها، چالش‌های زیادی را برای اداره امور آن‌ها ایجاد کرده است که عبارتند از: عدم ایجاد وحدت ساختاری و کارکردی، مرزهای طولانی و آسیب‌پذیری بیشتر، رقابت‌های قومی و ایلی، توسعه نامتوازن، شکل نگرفتن شبکه ارتباطی منظم و...
هندلی و گروفمن ^۱ (۲۰۰۸)	سازماندهی دوباره در رویکردی مقایسه‌ای ناحیه‌بندی سیاسی و چگونگی گسترش نقش آن در توسعه کشور	تحلیل سازماندهی حوزه‌های انتخابیه و تجارب کشورها در مرزبندی‌های سیاسی با تأکید بر نگاه مقایسه‌ای نقش سازمان‌های مرتبط در سازماندهی فضای داخلی کشور بلژیک و اثراتی که این فضا از نیروهای بیرونی دریافت می‌کند را مورد بررسی قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است که پژوهش‌های شرح داده شده در جدول فوق بطور کلی به شناسایی عوامل مثبت و منفی مؤثر بر تقسیمات استانی با مطالعه موردی یک یا دو استان پرداخته‌اند و وجه تفاوت آن‌ها با پژوهش حاضر این است که طی این مطالعه به تحلیل تمام موارد اثرگذار در تقسیم سیاسی فضای کل کشور، نتایج و پیامدهای حاصل از آن پرداخته خواهد شد. بنابراین، برآیند طی این پژوهش به تعیین میزان تأثیر عناصر و عواملی همچون شکل حکومت، مسائل امنیتی و استراتژیک، اقلیت‌های اکولوژیک، جغرافیای قدرت و حمایت و... بر تقسیم‌بندی فضای کشور ایران بپردازیم و نهایتاً از طریق تحلیل سیستمی همراه با ارائه مدل در بستر نرم‌افزار Vensim به ارزیابی چگونگی نقش‌آفرینی عوامل و عناصر مؤثر در تقسیم سیاسی فضای ایران و پیامدهای حاصل از آن بپردازیم.

مبانی نظری

سازماندهی سیاسی فضا

یکی از مسائل مهم در سیاست‌گذاری داخلی هر کشور، چگونگی سازماندهی سیاسی فضا است (نظری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۸). سازماندهی سیاسی فضا فرآیندی است که طی آن بخشی از سطح زمین توسط مرز محدود و برای ایفای نقش سیاسی سازماندهی می‌شود. مهم‌ترین هدف سازماندهی سیاسی در هر کشور عرضه بهینه خدمات به حداکثر شهروندان و سپس اداره و کنترل افرادی که در چارچوب مرزهای سرزمینی زندگی می‌کنند، می‌باشد (نظری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۹). همچنین سازماندهی سیاسی فضا، چگونگی ساخت تعامل فضایی انسان را به منظور ایفای نقش‌های سیاسی نشان می‌دهد (کامران و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶۷). و مجموعه‌ای از ابزارها و روش‌ها را همچون تقسیمات کشوری،

1. Handely & grofman

2. Cerickemans

بازارچه‌های مرزی و مناطق آزاد تجاری را برای کنترل، مدیریت و بهره‌برداری مناسب‌تر از فضا مورد استفاده قرار می‌دهد.

تقسیمات کشوری

شکل‌دهی استان‌ها در قالب تقسیمات سیاسی فضا و تغییر سیاست در نحوه اداره نواحی از شکل متمرکز به صورت غیرمتمرکز، پارادایم جدیدی است که از آغاز قرن بیست و یکم برای مدیریت کشورها ضروری تشخیص داده شد (UNDP, 2008:5). تقسیمات کشوری یکی از ابزارهای مهم حکومت‌ها برای سازماندهی سیاسی فضای کشور بشمار می‌رود. در واقع تقسیمات کشوری به منظور ارائه هر چه بهتر امکانات، تسهیلات، خدمات عمومی و تسهیل اعمال حاکمیت دولت‌ها می‌باشد (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۴). لازم به ذکر است، تقسیمات کشوری از اهم مسائلی است که یک کشور در حال رشد برای انجام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اداری (Dikshit, 1995: 199). و همینطور سازماندهی هر چه بهتر این امور به منظور تحقق آینده‌ای مطلوب (ذکی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳). باید مورد توجه قرار گیرد. کارکرد تقسیمات کشوری در بعد سیاسی به سطح‌بندی قدرت در فضای سرزمینی، در بعد اداری به تمرکز یا عدم تمرکز در حیطه اختیارات و در بعد جغرافیایی به نحوه تقسیم‌بندی فضای سرزمینی بر مبنای فاکتورهای قومی، زبانی، مذهبی، جمعیتی و... می‌پردازد (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۵-۹۴). ضمناً هر نوع تقسیم سیاسی سرزمین باید با الگوی ویژه‌ای متناسب با وضعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی (لطفی، ۱۳۹۵: ۳۷۰). کشور سازگاری داشته باشد. بطور کلی نظام تقسیمات کشوری تشکیل‌دهنده واحدهای حکومت محلی در محدوده‌های سیاسی واحدهای برنامه‌ریزی هستند و توسعه ملی بر مبنای واحدهای فضایی تقسیمات کشوری استوار است؛ از این رو بین نظام تقسیمات کشوری و توسعه ملی رابطه تنگاتنگی وجود دارد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۱).

تفکر سیستمی

برداشت سیستمی یکی از روندهای روش‌شناختی علم است که در تلاش برای خروج از بحران شناخت علمی با معرفی «نظریه عمومی سیستم‌ها» توسط «برتالانفی» مطرح شد (Vanderpool, 2008:73). گسترش روش سیستمی در مطالعات علمی با تجزیه و تحلیل ساختاری- کارکردی از روند مطالعه سیستم‌ها همراه شد (Fullan, 2005:38). نگرش سیستمی بررسی پدیده‌ها از طریق کلیت و ارتباط بین اجزای تشکیل‌دهنده و در عین حال ارتباط اثرپذیری و اثرگذاری اجزاء با یکدیگر، با کل‌ها و ارتباط با کل‌های دیگر است؛ لذا از طریق نگرش سیستمی، شناخت کامل‌تری از موضوع و مفهوم به دست می‌آید (حیدری، ۱۳۹۵: ۱۲۸۴). این دیدگاه در دوران معاصر به ویژه با آثار جغرافیدانانی همچون ریچارد چورلی، پیتر هاگت و دیوید هاروی وارد ادبیات جغرافیایی شد و زمینه شکل‌گیری تئوری‌های متعددی را در علوم ناحیه‌ای فراهم آورد. به هر روی نظریه سیستم‌ها به عنوان نوعی روش‌شناسی علمی می‌باشد که بر پایه بکارگیری رویکرد سیستمی انجام می‌گیرد. از دیدگاه سیستمی تجزیه عناصر هر پدیده، تحلیل ویژگی‌های آن‌ها در

1 . Chorely
2 . Hagget
3 . Harvey

یکپارچگی سیستم، بررسی روابط آن‌ها با یکدیگر و کل سیستم مورد نظر است که بر مبنای چهارگانه ؛ ۱- تصور ارگانیک، ۲- کل‌نگری، ۳- مدل‌سازی، ۴- بهبود شناخت، استوار است (متقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۷). امروزه این روش با مدل کردن سیستم و نشان دادن اجزای آن بصورت کامل از پیچیدگی مسئله می‌کاهد و به برنامه‌ریز امکان می‌دهد که به مسئله اشراف یابد. سه فعالیت مهم و مرتبط با تفکر سیستمی عبارتند از: الف) تمرکز اصلی بر ارتباطات بین اجزا باشد؛ ب) الگوها بررسی شود و فقط وقایع در نظر گرفته نشود؛ ج) بازخوردها در سیستم نمایش داده شود تا سیستم از حالت استاتیکی به حالت دینامیک تبدیل شود. تفکر سیستمی در پی یافتن پاسخ این مسئله است که چگونه ساختار در رفتار تأثیر می‌گذارد و به این نتیجه می‌رسد که ارتباطات داخلی در سیستم باعث می‌شود ساختاری بوجود آید که در نتیجه آن، کل سیستم از خود رفتاری منطبق با این ارتباطات بروز دهد (حجی‌پناه و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی، از نظر نتیجه کاربردی و از نظر هدف اکتشافی است. همینطور به منظور شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تقسیم سیاسی فضا در ایران در قالب تفکر سیستمی سامان یافته است. در ابتدا با مطالعات کتابخانه‌ای عوامل مؤثر بر تقسیم سیاسی فضا در ایران تعیین شد و در ادامه برای تعیین میزان اهمیت هر مؤلفه در تقسیم سیاسی فضا از روش کمی و مشخصاً پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که بر مبنای طیف لیکرت از یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) درجه‌بندی شده است. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ تعیین شد. چنانچه ضریب آلفای کرونباخ برای یک مقیاس بیش از ۰/۷ محاسبه گردد، پایایی آن مقیاس، مطلوب ارزیابی می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۷۱ محاسبه گردید. بنابراین، پایایی پرسشنامه مطلوب ارزیابی گردیده است و روایی آن نیز با قضاوت کارشناسان و همچنین، پوشش کامل مبانی نظری تأیید شده است. همچنین، برای اولویت‌بندی میزان تأثیر هر مؤلفه بر تقسیم سیاسی فضا از آزمون استنباطی فریدمن استفاده شد. نمونه کمی هم ۳۰ نفر از کارشناسان خبره مرتبط با موضوع در نظر گرفته شد و در نهایت نتیجه بر مبنای تفکر سیستمی و از طریق نرم‌افزار *vensim* مدل‌سازی و مورد بررسی قرار گرفت.

بحث و یافته‌ها

پژوهش حاضر مطابق جدول زیر براساس رویکرد سیستمی در واحد تحلیل ملی انجام می‌شود، بنابراین، لازم به یادآوری است که چگونگی تقسیمات سیاسی در هر کشور از جمله ایران با بازیگری عناصر و عوامل طبیعی، انسان‌ساخت، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی (مطابق مؤلفه‌های جدول زیر) در سطح داخلی و با مقیاس تأثیر محلی و فروملی تعیین می‌شود که در ادامه به شرح و بررسی آن می‌پردازیم.

در ابتدا به بررسی عوامل مؤثر بر تقسیمات کشوری ایران و رتبه‌بندی آن‌ها می‌پردازیم و سپس با توجه به همان عوامل از طریق ارائه مدل به تشریح علل بروز چالش‌های موجود در تقسیمات کشوری ایران نیز می‌پردازیم.

جدول شماره ۲. شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در تقسیمات کشوری

مؤلفه‌ها	سطوح و مقیاس جغرافیایی تحلیل	عناصر و عوامل اثرگذار	واحد تحلیل	رویکرد تحلیل
(۱) تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی (همگنی جامعه)				
(۲) عامل دورافتادگی و دسترسی نامناسب سکنه به مراکز خدماتی (دسترسی و فاصله)	داخلی	(۱) عناصر طبیعی		
(۳) جمعیت	(محل، فراملی و ملی)	(۲) عناصر	واحد ملی	رویکرد
(۴) پایین بودن شاخص توسعه (محرومیت مناطقی از استان‌ها)	(ملی)	انسان‌ساخت، کالبدی، اجتماعی و اقتصادی	(کشور)	سیستمی
(۵) پیوندهای عاطفی و سیاسی میان مردم و مکان		(۳) عوامل		
(۶) رقابت مکانی				
(۷) شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی				
(۸) ویژگی طبیعی سرزمین				
(۹) ملاحظات راهبردی و ویژگی فضاهای پیرامونی				
(۱۰) عوامل غیررسمی				
(۱۱) اقتصاد سیاسی				
(۱۲) عوامل فرهنگی و تفریحی				

مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر بر تقسیم‌سیاسی فضا در ایران

جمعیت

شاخص جمعیت که از جمله در ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارتقای واحد سیاسی به مرتبه بالاتر را در گرو دسترسی ناحیه به یک سقف مشخص جمعیتی می‌داند. بطور مثال حداقل جمعیت شهرستان با در نظر گرفتن وضع زندگی و اقلیمی کشور به دو درجه تراکمی به شرح زیر تقسیم می‌شوند: الف) تراکم زیاد (۱۲۰ هزار نفر؛ ب) تراکم متوسط ۸۰ هزار نفر؛ همینطور استان جدید شکل گرفته باید حداقل یک میلیون نفر جمعیت داشته باشد. البته در تبصره دیگر قانون تقسیمات کشوری، جمعیت هر یک از واحدهای تقسیمات کشوری در موارد استثنایی با تصویب مجلس می‌تواند کم‌تر از میزان اعلام شده در قانون باشد (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۴).

تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی (همگنی جامعه)

در قانون تقسیمات کشوری همگنی جامعه تحت عنوان هم‌نواپی‌های اجتماعی، فرهنگی، قومی و سرزمینی تعریف شده است (احمدی‌پور، ۱۳۸۰: ۸۱). بطور مثال شهرستان، واحدی از تقسیمات کشوری است که از بهم پیوستن چند بخش هم‌جوار که از نظر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی واحد متناسب و همگنی را بوجود آورده‌اند (احمدی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۶۳).

شاخص دسترسی و فاصله

بر اساس ماده ۱۰ قانون تقسیمات کشوری دولت موظف است با حفظ جهات سیاسی و اجتماعی، هر روستا را به نزدیک‌ترین مرکز دهستان و هر دهستان را به نزدیک‌ترین مرکز بخش و هر بخش را به نزدیک‌ترین مرکز شهرستان و هر شهرستان را به نزدیک‌ترین مرکز استان منضم نماید. این ماده نشان‌دهنده اهمیت عامل دسترسی در نظام تقسیمات کشوری است (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۱۶۴).

شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی

بعد از شکل‌گیری حکومت متمرکز در ایران که با به قدرت رسیدن رضا خان در سال (۱۳۰۴) به وقوع پیوست، حکومت از طریق بسترسازی در قالب تقسیمات اداری - سیاسی کشور توانست تمرکز حاصله را نهادینه سازد (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۸۹). در ایران تقسیمات کشوری به منظور ملاحظات سیاسی انجام گرفته و ایجاد، انحلال، انضمام، تفویض محدودۀ اختیارات واحدها با حکومت مرکزی بوده و آن‌ها دارای اختیارات مستقلی نیستند (قالیباف، ۱۳۸۶: ۸۹). همچنین، ایجاد واحدهای سرزمینی فاقد اقتدار تصمیم‌گیری، تنها بر میزان تمرکز اداری - سیاسی حکومت افزوده است.

اقلیت‌های اکولوژیکی

وجود اقلیت‌های فضائی ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن در حواشی کشور به همراه دنباله‌های فضائی آن‌ها در کشورهای همسایه شرایط سیاسی - امنیتی خاصی را بر الگوی تقسیمات کشوری حکمفرما کرده است. وجود این نیروهای واگرا در کشور یکی از عوامل شکل‌گیری حکومت متمرکز بوده است (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۳۶)؛ زیرا در یکصدسال اخیر مسائل قومی پای ثابت شکل‌گیری بحران‌ها در سطوح داخلی و خارجی بوده‌اند (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۴۱). به همین ترتیب تقسیمات کشوری در ایران تا سرحد امکان با ایجاد تعادل‌های مذهبی - قومی در استان‌های مرزی، از غلبه یک اکثریت قومی و مذهبی جلوگیری کرده است. چشم‌انداز مذهبی و قومی استان هرمزگان، خوزستان، کرمانشاه، آذربایجان غربی، گلستان، خراسان و سیستان و بلوچستان به خوبی حاکی از چنین موقعیتی است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۱۵).

ویژگی‌های طبیعی سرزمین

ویژگی‌های طبیعی سرزمین و توزیع نامتعادل بنیادهای زیستی و همچنین وجود عوارض طبیعی گسترده، شکل کالبدی تقسیمات کشوری را تحت تأثیر قرار داده است. لازم به ذکر است، میزان جمعیت استان‌ها، تراکم و پراکندگی آن تا حدود زیادی تحت تأثیر ویژگی‌های طبیعی سرزمین قرار دارد؛ چنانکه نواحی شرقی و مرکزی بدلیل وجود زمین‌های لم‌یزرع دارای تراکم جمعیت کمتر و در نتیجه وسعت بیشتری هستند (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱۶۹).

ملاحظات راهبردی و ویژگی‌های فضاهای پیرامونی کشور

از جمله عوامل فضای بیرونی که به نحوی باعث تغییر مرزهای سیاسی - اداری واحدهای درون کشوری، ایجاد و ارتقای آن‌ها شده است می‌توان به اقلیت‌های قومی - مذهبی کشورهای همسایه و پیوند آن‌ها با اقوام داخل کشور، تعداد واحدهای اداری - سیاسی مناطق مرزی، مسائل نظامی، امنیتی و بطور کلی جغرافیای سیاسی منطقه اشاره کرد. امری که الگوی تقسیمات کشوری در ایران را تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی شکل داده است (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۰: ۱۷۰-۱۷۱).

رقابت‌های مکانی

کانون‌های شهری دارای وزن ژئوپلیتیک نسبتاً مشابه که در مجاورت هم قرار دارند، در حالت رقابت به سر می‌برند و طرح سازماندهی میان آن‌ها تنش‌زا می‌شود. کانون‌های رقیب کمتر حاضر به مصالحه می‌شوند و معمولاً زیر بار یکدیگر نمی‌روند (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۳۵۳). بطور کلی با افزایش رقابت مکانی، واگرایی‌ها بیشتر شده و تقاضاهای ایجاد سطوح تقسیمات کشوری یا الحاق و انتزاع افزایش پیدا کرده است که در صورت تحقق این موضوع، مرزها تغییر کرده و مرزهای

سطوح تقسیماتی کوچکتر خواهد شد.

عوامل غیررسمی

عوامل غیررسمی شامل آن دسته از افراد، گروه‌ها و لابی‌ها در ساختار حکومت می‌باشد که با نفوذ و قدرتی که در اختیار دارند بدون توجه به شاخص‌های قانونی و علمی باعث شکل‌گیری و ارتقای یک واحد اداری-سیاسی می‌شوند. شاید رخنه عوامل غیررسمی برای ارتقای واحدهای سیاسی، تا حدودی ناشی از این امر باشد که خصلت‌های ملی قدرت مانور به نیروهای پنهان یا دولت‌های سایه را در تقسیمات کشوری بدهد و نقش اساسی در تغییرات این ترتیبات تا آنجا که به گروه‌های پنهان قدرت مرتبط است، تابع جغرافیای قدرت است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۱). همینطور لازم به ذکر است که تأثیر عوامل غیررسمی در سطح شهرستان و بخش نمود و فراوانی بیشتری داشته باشد. واقع مطلب آن است که حداقل از سال (۱۳۴۵)، منطق تقسیمات کشوری، بطور عمده از مناسبات قدرت نشأت گرفته است؛ گاه بحران‌های بزرگ شهری-منطقه‌ای نیز به یاری این مناسبات شتافته و موجب تغییراتی در آن شده است (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۵۸). بطور مثال مکانیزم تبدیل شدن اردبیل به استان، آشوب خودجوش و خونین مردم قزوین، تنها نمایانگر بخشی از روند مکانیزم جغرافیای قدرت بوده است. تفاوت اساسی مسائل تقسیماتی با سایر خواسته‌های نمایندگان، اهمیت حیاتی آن است؛ زیرا تصویب تقسیمات پیشنهادی، آثار بسیار مثبتی برای آنان داشته است، ضمن افزایش نفوذ و اعتبار آن‌ها در حوزه انتخابیه زمینه انتخاب آنان را در دوره‌ی بعدی مجلس فراهم می‌آورد (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۰). بطور کلی تأثیرگذاری عوامل غیررسمی بر تقسیمات کشوری به دلیل سوءاستفاده از عدم شفافیت قوانین می‌باشد.



شکل شماره ۱. نقشه تقسیمات سیاسی ایران. (منبع: amar.org.ir)

اقتصاد سیاسی و توریستی (تفریحی، تجاری و صنعتی)

در این رابطه بعنوان مثال به شرح علت وجودی جزیره کیش می‌پردازیم؛ جزیره کیش در هجده کیلومتری کرانه جنوبی ایران و در استان هرمزگان- شهرستان بندر لنگه- قرار گرفته است. فاصله آن تا بندر لنگه ۹۰ کیلومتر، تا بندرعباس ۳۰۰ کیلومتر و تا تهران از راه زمینی ۱۶۰۰ کیلومتر است. مساحت جزیره ۹۰/۴۷۵ کیلومتر مربع با درازای ۱۵ کیلومتر و عرض حدود ۷ کیلومتر است. جزیره کیش در سال ۱۳۴۹ ه.ش مورد بازدید هیئت‌های کارشناسی ایران و آمریکا قرار گرفت و با

توجه به موقعیت جغرافیایی و استراتژیک مناسب آن، «مرکز بین‌المللی توریستی- تجاری» اعلام شد و متعاقب آن سازمان عمران کیش نیز در سال ۱۳۵۱ تأسیس شد. هیئت وزیران در سال ۱۳۶۸ جزیره کیش را منطقه کاملاً آزاد تجاری- صنعتی اعلام کرد و طبق قانون مصوب ۱۳۷۲ مجلس، این جزیره عنوان منطقه آزاد یافت (حافظ نیا، ۱۳۹۵: ۴۲۱).

- ❖ تجارت از طریق گردآوری و ورود کالا عمدتاً از مبدأ دبی و جبل علی و صدور مجدد آن، به ویژه به داخل ایران؛
- ❖ فعالیت در زمینه گردشگری و توریسم از طریق بارور کردن پتانسیل‌های محلی دریا پایه؛
- ❖ فعالیت صنعتی و خدماتی از طریق احداث و گسترش صنایع کوچک و متوسط عمدتاً با جلب سرمایه از سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم داخل یا خارج از کشور (حافظ نیا، ۱۳۹۵: ۴۲۲).

حال برای بررسی هر یک از مؤلفه‌های شرح داده شده در پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۳ سوال برای تعیین میزان تأثیر مؤلفه‌های نامبرده بر تقسیم سیاسی فضا طراحی شد، پرسشنامه نامبرده بر مبنای طیف لیکرت از یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) درجه‌بندی شد. همچنین، برای اولویت‌بندی میزان تأثیر هر مؤلفه بر تقسیم سیاسی فضا از آزمون استنباطی فریدمن استفاده شد که طی (جدول ۳)، شرح داده خواهد شد.

جدول شماره ۳. نتایج حاصل از بررسی سوالات مربوطه از طریق آزمون فریدمن

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی (همگنی جامعه)	۲/۵۶۶۷	۰/۵۰۴۰۱	۰/۰۰۰
عامل دورافتادگی و دسترسی نامناسب سکنه به مراکز خدماتی (دسترسی و فاصله)	۲/۷۳۳۳	۰/۵۲۰۸۳	۰/۰۰۰
جمعیت	۴/۳۳۳۳	۰/۴۷۹۴۶	۰/۰۰۰
پایین بودن شاخص توسعه (محرومیت مناطقی از استان‌ها)	۳/۱۰۰۰	۰/۴۰۶۸۴	۰/۰۰۰
پیوندهای عاطفی و سیاسی میان مردم و مکان	۳/۴۳۳۳	۰/۵۰۴۰۱	۰/۰۰۰
رقابت مکانی	۳/۹۰۰۰	۰/۴۰۲۵۸	۰/۰۰۰
شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی	۴/۶۶۶۷	۰/۴۷۹۴۶	۰/۰۰۰
ویژگی طبیعی سرزمین	۴/۲۳۳۳	۰/۴۳۰۱۸	۰/۰۰۰
ملاحظات راهبردی و ویژگی فضاهای پیرامونی	۳/۷۰۰۰	۰/۴۶۶۰۹	۰/۰۰۰
عوامل غیررسمی	۴/۵۶۶۷	۰/۵۰۴۰۱	۰/۰۰۰
اقتصاد سیاسی	۳/۱۰۰۰	۰/۶۶۴۳۶	۰/۰۰۰
عوامل فرهنگی و تفریحی	۲/۳۶۶۷	۰/۴۹۰۱۳	۰/۰۰۰

جدول شماره ۴. رتبه‌بندی اهمیت هر مؤلفه در تقسیم سیاسی فضا

رتبه‌بندی	مؤلفه‌ها
۲/۵۳	تفاوت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی (همگنی جامعه)
۲/۹۰	عامل دورافتادگی و دسترسی نامناسب سکنه به مراکز خدماتی (دسترسی و فاصله)
۹/۰۰	جمعیت
۶/۹۳	پایین بودن شاخص توسعه (محرومیت مناطقی از استان‌ها)
۵/۲۵	پیوندهای عاطفی و سیاسی میان مردم و مکان
۷/۳۳	رقابت مکانی
۱۰/۳	شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی
۸/۶۷	ویژگی طبیعی سرزمین
۶/۴۰	ملاحظات راهبردی و ویژگی فضاهای پیرامونی
۹/۸۰	عوامل غیررسمی
۶/۸۷	اقتصاد سیاسی
۲/۰۲	عوامل فرهنگی و تفریحی

همان‌گونه که نواحی فرهنگی در ایران تحت تأثیر ملاحظات اداری، دفاعی - امنیتی و رقابت‌های مکانی بصورت نامنتظم بر هم شکل گرفته‌اند. لازم به توضیح است؛ به همین ترتیب تمام مؤلفه‌ها بر یکدیگر تأثیر دارند و برآیند این اثر و تأثیرات چگونگی تقسیم سیاسی فضا را در ایران تعیین می‌کند.

جدول شماره ۵. چالش‌ها

انواع چالش‌ها	توضیحات
۱. الگوی نامناسب توزیع واحدهای سطح اول	الگوی تقسیم‌بندی و توزیع استان‌ها در فضای جغرافیایی کشور متوازن نیست؛ بطوری‌که در عرض‌های پایین و میانی، تراکم شهرها کم و متوسط و در عرض‌های بالا تراکم فشرده است. این موضوع گویای تأثیر الگوی تقسیم‌بندی از متغیر جمعیت که گاهی اوقات با عامل سیاسی همراه شده است (فشارهای سیاسی مدعی ارتقای سطوح پایینتر تقسیمات به سطوح بالاتر) (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۴۰۴).
۲. مدیریت نامتناسب ساختار توپوگرافیک کشور	ساختار طبیعی و توپوگرافیک کشور و الگوی پخش بنیادهای زیستی در آن نامتوازن است؛ بنابراین، بسنده کردن به عامل جمعیت در تقسیمات کشوری نادرست است و در نظر گرفتن الگوی چندمعیاری برای سازماندهای سیاسی فضا امری ضروری می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۴۰۵).
۳. عدم انطباق الگوی تقسیمات کشوری با سایر تقسیم‌بندی‌ها (حوزه‌های انتخاباتی، محیط‌زیست، نظامی و انتظامی)	در قانون تقسیمات کشوری مصوب ۱۵ تیر (۱۳۶۲) آمده است که «حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی منطبق بر محدوده شهرستان‌ها و هر حوزه‌ای انتخاباتی متشکل از یک یا چند شهرستان باشد»؛ اما در ایران بین حوزه‌های انتخاباتی و واحدهای تقسیماتی انطباق کاملی وجود ندارد. یکی دیگر از عدم انطباق‌ها میان استان‌ها با مناطق زیست‌محیطی است، در ایران شش منطقه‌ی اکوسیستم خلیج فارس، دریای خزر، ناحیه خزری، نواحی کوهستانی (البرز و زاگرس)، نواحی بیابانی و علفزارها می‌شود که در نظام تقسیمات کشوری به آن توجهی نشده است. همچنین نهادهای نظامی و انتظامی هم تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از الگوی تقسیمات کشوری موجود برای انجام وظایف خود ایجاد کرده‌اند که شامل چند استان در هر یک از نواحی می‌شود؛ بطور کلی باید گفت حوزه‌بندی‌های متفاوت با نظام تقسیمات کشوری در ایران باعث تداخل مدیریتی شده است (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۱۸۴-۱۸۲).
۴. شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی و جغرافیایی میان استان‌ها	ویژگی‌های طبیعی سرزمین موجب تراکم فرصت‌ها و ارزش‌های جغرافیایی (منابع فسیلی، معادن، سواحل و آب‌های آزاد و آب‌های شیرین و معادن) در برخی از مناطق کشور شده است و نظام تقسیمات کشوری نتوانسته آمایش صحیحی را در توزیع این فرصت‌های جغرافیایی ایجاد کند و طبیعتاً این امر بی‌عدالتی طبیعی را تشدید کرده است (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۱۹۷-۱۸۴).
۵. توسعه نامتوازن استانی (شکل‌گیری پدیده مرکز-پیرامون)	شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی مناطق کشور حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز- حاشیه، هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۹۳). عدم تعادل منطقه‌ای عواقب زیانبار فراوانی برای کشور به دنبال دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: افزایش فرایند واگرایی، افزایش نارضایتی‌های اقتصادی - اجتماعی، توزیع نامتوازن جمعیت و... (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶). با بررسی شهرستان‌های هر یک از استان‌های کشور مشخص شد که استان تهران و تمام شهرستان‌های آن جزء برخوردارترین‌ها هستند و استان سیستان و بلوچستان و ده شهرستان آن جزء محروم‌ترین‌ها هستند. از میان ده استانی که بیشترین محرومیت را دارند (سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، کرمان، ایلام، هرمزگان، کردستان، خراسان جنوبی، آذربایجان غربی و اردبیل) هشت مورد از آن‌ها استان‌های مرزی بشمار می‌آیند و دوتای دیگر (کرمان و کهگیلویه و بویراحمد) در فاصله جغرافیایی زیاد از مرکز حکومت قرار دارند. بنابراین، می‌توان گفت بیشتر شهرستان‌های

چالش‌های
عملکردی

عقب‌مانده در نواحی حاشیه‌ای کشور واقع شده‌اند. از سوی دیگر شش استانی که پس از استان تهران بیشترین میزان برخورداری را دارند، همگی در همسایگی استان تهران می‌باشند. این روند نشان‌دهنده‌ی شکل‌گیری پدیده مرکز-پیرامون و توسعه نامتوازن استانی می‌باشد (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۱۹۰).

از زمان تصویب قانون ایالات و ولایات در سال (۱۲۸۵ ه.ش)، الگوی تقسیمات کشوری دچار تغییرات زیادی شده است؛ به طوری که تعداد استان‌ها بین سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۹۵ از ۶ به ۳۱ و شهرستان‌ها از ۴۹ به ۲۶۸ عدد افزایش یافته است. شکل‌گیری واحدهای جدید باعث تغییر در مرزهای واحدهای تقسیمات کشوری می‌شود که این موضوع بی‌ثباتی در واحدهای تقسیمات کشوری را به همراه خواهد داشت (اعظمی و دبیری، ۱۳۹۱: ۱۳).

۱. بی‌ثباتی در الگوی تقسیمات کشوری

در ملاحظات مربوط به سازماندهی سیاسی فضا، از ایجاد قالب‌های طولی به ویژه در نواحی مرزی، باید پرهیز شود؛ زیرا امر سرویس‌دهی و اداره امور آن را مشکل‌تر و خطر جدایی‌طلبی در این مناطق تشدید می‌شود (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۴۱۱). در طراحی استان‌ها در ایران توجهی به این موضوع نشده است؛ بطور مثال استان مرزی هرمزگان دارای شکل طولی است و با وسعت ۷۰۶۹۷ کیلومتر مربع بیش از ۹۶۰ کیلومتر طول دارد. همچنین وسعت نایربر استان‌ها نیز یکی دیگر از چالش‌های تقسیمات کشوری است؛ به طوری که نه استان وسیع کشور که شامل سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، فارس، اصفهان، خراسان رضوی، سمنان، خراسان جنوبی و هرمزگان می‌باشند با وسعت ۱۰۲۰۵۹۸ کیلومتر مربع بیش از ۶۲٪ از وسعت خاکی کشور را در بر گرفته‌اند و بیست و دو استان دیگر کمتر از ۳۸٪ مساحت کشور را در اختیار دارند. این معضلات باعث شده که نظام تقسیمات کشوری برای دستیابی به اهداف خود از جمله اصل تسهیل خدمات‌رسانی و تأمین نیازهای سکنه مقیم، اصل دسترسی سریع به کانون ناحیه سیاسی و... ناکام بماند (کریمی‌پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۶).

۲. شکل و وسعت نامتوازن استان‌ها

چالش‌های کالبدی

نتیجه‌گیری

از آنجا که اعمال واقع‌بینانه تقسیمات کشوری بر اساس اصول علمی و نیازهای فضایی، نهایتاً سبب بارورسازی ظرفیت‌های درون مکانی و دستیابی به توسعه محلی، ملی و منطقه‌ای خواهد شد و تصمیمات نادرست مرتبط با فضای جغرافیایی کشور می‌تواند همگرایی ملی را کاهش دهد و نهایتاً منجر به ایجاد تأثیرات سوء بر منافع کشور درون مرزهای سرزمینی‌اش شود؛ لذا شناخت چگونگی اثرگذاری عناصر و عوامل مؤثر بر تقسیم سیاسی فضای ایران جهت کاهش و کنترل آثار منفی عوامل و عناصر نامبرده جهت دستیابی به اهداف تقسیم سیاسی فضا ضروری می‌باشد. بنابراین، طی پژوهش حاضر با استفاده از آزمون استنباطی فریدمن میزان اهمیت عوامل و عناصر مؤثر بر تقسیم سیاسی فضای ایران بررسی شد و در نهایت دریافتیم سه عامل شکل حکومت، عوامل غیررسمی و جمعیت غالباً بصورت منفی بر تقسیم سیاسی فضای ایران بیشترین تأثیر را دارند. بطور مثال در قانون تقسیمات کشوری مصوب ۶۲ مبنای واحدسازی بطور عمده تک‌معیاری و بر پایه جمعیت در نظر گرفته شده است. شاید در نظر گرفتن عامل جمعیت در فضاهای جغرافیایی که دارای تجانس و پراکندگی متعادل باشند تا حدودی منطقی باشد اما در مورد فضاهای جغرافیایی ایران که در آن ساختار توپوگرافیک نامتجانس، الگوی پخش جمعیت و منابع نامتعادل، شبکه ارتباطی ناقص و جمعیت، گروه‌های فرهنگی و قومی نامتجانس است؛ بسنده کردن به عامل جمعیت در تقسیمات کشوری امری نادرست است. لازم به ذکر است اثرگذاری منفی عوامل و عناصر نامبرده نهایتاً منجر به ایجاد چالش‌های عملکردی و کالبدی در تقسیم سیاسی فضای

ایران شده است. لذا اصلاح و شفاف‌سازی قانون تقسیمات کشوری با مکانیسم اجرایی غیرقابل تغییر بگونه‌ای که امکان هیچ دخل و تصرفی از سوی عوامل قدرت در آن نباشد، ضمن در نظر گرفتن الگوی چندمعیاری برای دستیابی به الگوی متوازن‌تر تقسیمات فضا، بارورسازی ظرفیت‌های درون‌مکانی و نهایتاً دستیابی به توسعه محلی، ملی و منطقه‌ای ضروری می‌باشد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله که برگرفته از رساله دکتری می‌باشد حامی مالی نداشته است.

منابع

- (۱) احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۰) همایش امنیت عمومی و وحدت ملی، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور.
- (۲) احمدی‌پور، زهرا؛ رومینا، ابراهیم؛ رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۰) نقش نظام تقسیمات کشوری در توسعه ملی ایران، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۵، شماره ۲، صص. ۳۹۰-۱۷.
- (۳) احمدی‌پور، زهرا؛ میرشکاران، یحیی؛ محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸) نقش جغرافیای قدرت و حمایت در شکل‌گیری مرزهای جدید تقسیماتی پس از انقلاب اسلامی، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۳، شماره ۱، صص. ۲۸-۱.
- (۴) اعظمی، هادی و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۰) تحلیل نظام تقسیم سیاسی فضا در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۷، شماره ۲، صص. ۱۸۱-۱۴۷.
- (۵) حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۵) جغرافیای سیاسی ایران، چاپ هشتم، تهران: سمت.
- (۶) حافظنیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳) افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: سمت.
- (۷) حجتی‌پناه، نرگس؛ زرقانی، سیدهدای؛ خوارزمی، امید علی (۱۳۹۴) تحلیل سیستمی نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری دولت محلی در ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۹، شماره ۳، صص. ۱۹۸-۱۷۱.
- (۸) حق‌پناه، جعفر (۱۳۸۷) کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- (۹) حیدری، زهرا (۱۳۹۵) بررسی چگونگی تغییر در کیفیت آموزش معارف، تهران: مجموعه مقالات دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت.
- (۱۰) ذکی، یاشار؛ افضلی، رسول؛ مرادی، اسکندر؛ رنجبری، کمال (۱۳۹۸) عوامل اثرگذار بر رویکرد امنیتی در آمایش نواحی مرزی استان کردستان، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۷، شماره ۶۲، صص. ۶۰-۴۱.
- (۱۱) شکور، علی؛ زنگی‌آبادی، علی؛ کریمی قطب‌آبادی، فضل‌اله (۱۳۹۳) ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان فارس)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۴، شماره ۱۵، صص. ۱۲-۱.
- (۱۲) غلامی، بهادر؛ احمدی، سیدعباس؛ خالدی، حسین (۱۳۹۴) سازماندهی سیاسی فضا و چالش‌های ناحیه‌ای در ایران (مطالعه موردی: استان‌های ایلام و آذربایجان غربی)، برنامه‌ریزی آمایش فضا، دوره ۱۹، شماره ۲، صص. ۸۹-۱۲۰.
- (۱۳) قالیباف، محمداقبر (۱۳۸۶) حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- (۱۴) کامران، حسن؛ احمدی، سیدعباس؛ بقایی‌نیا، حسین؛ انصاری، زهرا (۱۳۹۶) تأثیر ایدئولوژی سیاسی بر ارتقاء سطح فضای جغرافیایی (مطالعه موردی: استان قم)، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۵، شماره ۵۳، صص. ۲۷۶-۲۶۵.
- (۱۵) کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران، جلد اول، تهران: انتشارات انجمن جغرافیایی ایران.
- (۱۶) کریمی‌پور، یدالله و محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۸) ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران، چاپ اول، تهران: نشر انتخاب.
- (۱۷) لطفی، حیدر (۱۳۹۵) بررسی توزیع جغرافیایی قومیت‌های ایران و نقش آن بر تحولات آینده، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۴، شماره ۵۱، صص. ۳۸۶-۳۶۷.

- ۱۸) متقی، افشین؛ قربانی سپهر، آرش؛ امیری، وحید (۱۳۹۸) عوامل مؤثر بر ارتقاء سطوح تقسیمات کشوری (نمونه موردی: شهرهای استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۷، شماره ۶۳، صص. ۹۲-۱۱۳.
- ۱۹) نظری، رضوان؛ زین العابدین، عموقین؛ یوسف، خادم الحسینی، سید احمد؛ مهکویی، حجت. (۱۳۹۹) تحلیل تقسیمات سیاسی - اداری استان گیلان براساس سازماندهی سیاسی فضای کشور، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۵، شماره ۱، صص. ۳۱۷-۳۳۲.
- 20) Criekemans, D. (2005) How subnational entities try to develop their case of Flanders, International conference Challenges for foreign Ministers: Managing Diplomatic Networks and Optimising Value, Geneva.
- 21) Dikshit, R. D. (1995) political geography; second Edition. TATA; NAC GRO HILL; publishing New DeLHI.
- 22) Fullan, M. (2005) Leadership & Sustainability: System Thinkers in Action, Thousand Oaks, CA: Corwin Press, Inc.
- 23) Handely, L. & Grofman, B. (2008) Redistricting in comparative perspective: Oxtord University press, Great Clarendon street oxford ox 2 6dp.
- 24) United Nations Development Program. (2008) Capacity Development practice notes.
- 25) Vanderpool, W. C. (2008) A System Approach: A Policy Analysis of State-Guided School Improvement Plans. A Project to the Faculty of Graduate School of Saint Louis University for the Degree of Doctor of Education, Proquest LLC 798 Esenhower.
- 26) www.mpo-es
- 27) www.hamshahrionline.ir/news/ 52940
- 28) amar.org.ir